

اصلی داستان، ترجیح می‌دهد نامزد گمشده‌اش را یک زنمندی معرفی کند، حتی راضی است که او شهید شده یا به اسارت گرفته شده باشد. او خواهان آن است که علت نامعلوم این غیبت را به افتخارآفرینی جنگ پیوند بزند تا برای خودش هم جایگاه اجتماعی مقبولی ایجاد کند.

● پس لایه‌های میانی این داستان بلند به اثرات پنهان‌تر جنگ بر زندگی اجتماعی مردم اختصاص یافته است؟

بله. در اغلب آثار مرتبط با جنگ صحبت نویسنده از اثرات عیان جنگ است؛ در حالی که این واقعه هشت ساله تأثیر زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی اغلب ما، به خصوص در مناطق مرزی به جای گذاشت. همین است که معتقدم نباید به سادگی و بدون بررسی جو حاکم بر آن سال‌ها، رفتار مردم را در سال‌های جنگ نقد کنیم. در آن سال‌ها نگاه مردم به جنگ براساس یک تفکر آرمانی شکل گرفته بود، همه دنبال آن بودند که نسبتی با جنگ برای خود پیدا کنند. خوبناز این قصه نیز حاضر است از میان همه گزینه‌های احتمالی که می‌توانند دلیل ناپدید شدن نامزدش باشند، او را گرفتار اسارت و تبعات جنگ ببیند. وگرنه این داستان به طور مستقیم ارتباطی با رنج جنگ برای زنان ندارد. خوبناز بنابه خیال‌بافی‌هایی که درخصوص چرایی گم‌شدن نامزدش دارد، خودش را در پشت جبهه تصور می‌کند و تا آنجا پیش می‌رود که حتی برای خود وظایفی قائل می‌شود. عجیب است که خیلی زود آن سال‌ها را فراموش کرده‌ایم و به مفاهیمی که زمانی افتخارآفرین بوده‌اند به دیده انتقاد نگاه می‌کنیم.

● البته منشأ بخشی از خیال‌پردازی خوبناز به فرهنگ و تابوهای تحمیل شده به او بازمی‌گردد! شاید بخشی از این نگاه برای فرار از فشار اجتماعی و تهمت‌های احتمالی باشد که حتماً تقصیری داشته است یا حتی اینکه حالا جامعه با چه نگاهی با او مواجه می‌شود!

اتفاقاً به این مورد هم در داستان اشاره شده است. حالا شرایط بهتر شده، اما تا همین چند دهه قبل، زنان برای هر تلاشی ناچار به مواجهه با سد عظیمی از تابوها بودند. خوبناز هم گرفتار چنین شرایطی شده، حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند مواجهه‌ای معقول‌تر با نامزد گمشده‌اش داشته باشد. به همین دلیل در شرایط مختلف زندگی‌اش با فرهنگ و عرف همراه می‌شود و کاری را انجام می‌دهد که مطلوب اجتماع است.

● جایی به نقل از شما خواننده‌ام که داستان بلند «نشان کرده» ادای دین‌تان به زنان و خانواده‌های آسیب دیده از جنگ است؟

جوانان بسیاری از زادگاه من به جنگ رفتند و هرگز بازنگشتند، از جمله پسر جوان خوش چهره‌ای که در دوران مدرسه، مورد توجه همه محل بود. او به جبهه رفت و پیکر بی‌جان‌ش جا ماند. این داستان بلند، ادای دینی به آن پسر جوان و جوانانی است که رفتند و هرگز بازنگشتند، هرچند که برخی هم پیکر نیمه‌جان یا بی‌جان‌شان به آغوش خانواده بازگشت.



● چرا ادای دین به زنان؟

خب در طول تاریخ اغلب اوقات این مردان بوده‌اند که جنگ‌ها را آغاز کرده‌اند، پیش برده‌اند و حتی به اتمام رسانده‌اند و اقدامات‌شان بر پیشانی تاریخ نوشته می‌شود. کسی هم به این فکر نمی‌کند که این سازندگان تاریخ منگی به پشتیبانی زنان بوده‌اند. زنانی که باید با فقدان همسران‌شان در جبهه دیگری برای حفظ خانواده بکوشند، آن هم در شرایطی که باید با رنج و فقدان آن دوری‌ها بسازند و از سویی با انواعی از موانع و مسائل فرهنگی هم دست

و پنجه نرم کنند. در جمع دوستان خود من زنانی از این جنس بسیار بودند، زنانی که همسران‌شان شهید شده و ناچار به مواجهه با شرایط دشواری بودند. چند همسر شهید را می‌شناختم که برای کاهش هزینه‌ها، همراه با فرزندان‌شان یک خانه اجاره کرده بودند. به محض ورود به آن خانه با سه گروه از بچه‌ها با مادران‌شان روبه‌رو می‌شدید و جای خالی پدران و باری که بر مادران، بدون هیچ پشتوانه اقتصادی و اجتماعی تحمیل شده بود را می‌دیدید. خوب اینها شرایط دشواری است که انعکاس کمتری در کتاب‌ها و فیلم‌ها پیدا کرده‌اند. یکی از صحنه‌هایی که در «نشان کرده» به تصویر کشیده‌ام مرتبط با همین زنان است.

● در تألیف این اثر بیشتر تجربه‌های زیسته به کارتان آمده است یا از مطالعات تاریخی درباره آن بهره تاریخی هم بهره گرفته‌اید؟

برای تألیف آثارم بیشتر به سراغ تجربه‌های زیسته خودم و هم‌نسلانم می‌روم، مگر مواقعی که نیاز به چک کردن تاریخ یا اتفاقی مشخص باشد. اینکه جنگ در آثارم نمود زیادی دارد، برادرانم در آن سال‌ها به جبهه رفتند؛ خودم هم سال ۱۳۶۴ برای چهار روز به همراه بچه‌های دانشکده هنر به مناطق جنگی در خرمشهر و آبادان رفتم.



در آن سال‌ها نگاه مردم به جنگ براساس یک تفکر آرمانی شکل گرفته بود، همه دنبال آن بودند که نسبتی با جنگ برای خود پیدا کنند. خوبناز «نشان کرده» نیز حاضر است از میان همه گزینه‌های احتمالی که می‌توانند دلیل ناپدید شدن نامزدش باشند، او را گرفتار اسارت و تبعات جنگ ببیند. عجیب است که خیلی زود آن سال‌ها را فراموش کرده‌ایم و به مفاهیمی که زمانی افتخارآفرین بوده‌اند به دیده انتقاد نگاه می‌کنیم

دیگر جذابیت گذشته را ندارد. در جامعه ما خیلی دیر به سراغ نقش‌آفرینی زنان در هر وضعیتی می‌روند. درباره انقلاب نیز چنین بود چراکه همه چیز را اول ساخته و تحت تأثیر مردان می‌دانند.

● واقعیت در «نشان کرده» چقدر حضور دارد؟

هر آنچه در هر فصل از این کتاب درباره جبهه و جنگ آمده، تمامی برخاسته از واقعیت است. در بخشی از ماجرای این کتاب، خوبناز در تشییع شهدا مشارکت می‌کند؛ خوب این اتفاقی است که من در محل زندگی‌ام آن را از نزدیک دیده و تجربه کرده‌ام، اینکه شهدا را به زادگاه‌شان در روستاهای مختلف برده و تشییع‌شان می‌کردیم. در «نشان کرده» شما با آینه‌ای از وقایعی که در پشت جبهه رخ داده‌اند روبه‌رو می‌شوید.

● برخلاف آنچه درباره آثار مرتبط با دفاع مقدس به نظر می‌رسد، نویسندگان ادبیات جنگ با حساسیت‌های زیادی روبه‌رو هستند؛ در تألیف این داستان با چالش خاصی روبه‌رو نشدید؟

اگر منظورتان سانسور است که خوب من نویسنده جنجال‌سازی نیستم. طی دهه‌ها نویسنده‌ی یاد گرفته‌ام چطور بنویسم تا با چالشی در انتشار آثارم روبه‌رو نشوم. متأسفانه دچار نوعی خودسانسوری شده‌ام، هم من و هم دیگر همکاران نویسنده و مترجم. به خصوص که من جزو آدم‌های تندرو نیستم. انتقاد می‌کنم اما نه به شکلی که حاشیه‌ساز شود. در این کتاب فقط چند مورد جزئی، حذفی داشتیم.

● عنوانی که برای کتاب انتخاب کرده‌اید، استعاره است یا به طور مستقیم به زندگی این زن جوان اشاره دارد؟

هر دو. بحث زندگی خوبناز که در میان است. درعین حال، نشان‌دهنده استعاره‌ای از افرادی است که شرایط زندگی وضعیت خاصی را به آنان تحمیل می‌کند. اینها نشان‌دهنده‌ای هستند که خود نقشی در شرایطی که به آن گرفتار شده‌اند، ندارند.

● «نشان کرده» این روزها اولین عرضه نمایشگاهی‌اش را تجربه می‌کند؟

بله، نوبت اول آن در اواسط زمستان روانه کتاب‌فروشی‌ها شد و حالا چاپ چهارم «نشان کرده» طی ایام برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

● چاپ چهارم در کمتر از چند ماه اتفاق خوبی است!

البته نه با تیراژهای کم تعداد! وقتی کتاب‌ها در تیراژ بسیار کم منتشر می‌شوند، تجدید چاپ‌شان جای خوشحالی چندانی ندارد. تیراژ کتاب‌ها آن قدر کم شده که بازنشر آنها را نمی‌توان دلیلی بر دیده شدن آن دانست. هرچند که در نهایت این هم یک روزنه امید است. امیدوارم علاقه‌مندان ادبیات داستانی این کتاب را بخوانند و از آن لذت ببرند.